

یادداشت

مقاومت مقابل مصلحت!

محمد محمودی
فعال رسانه‌ای

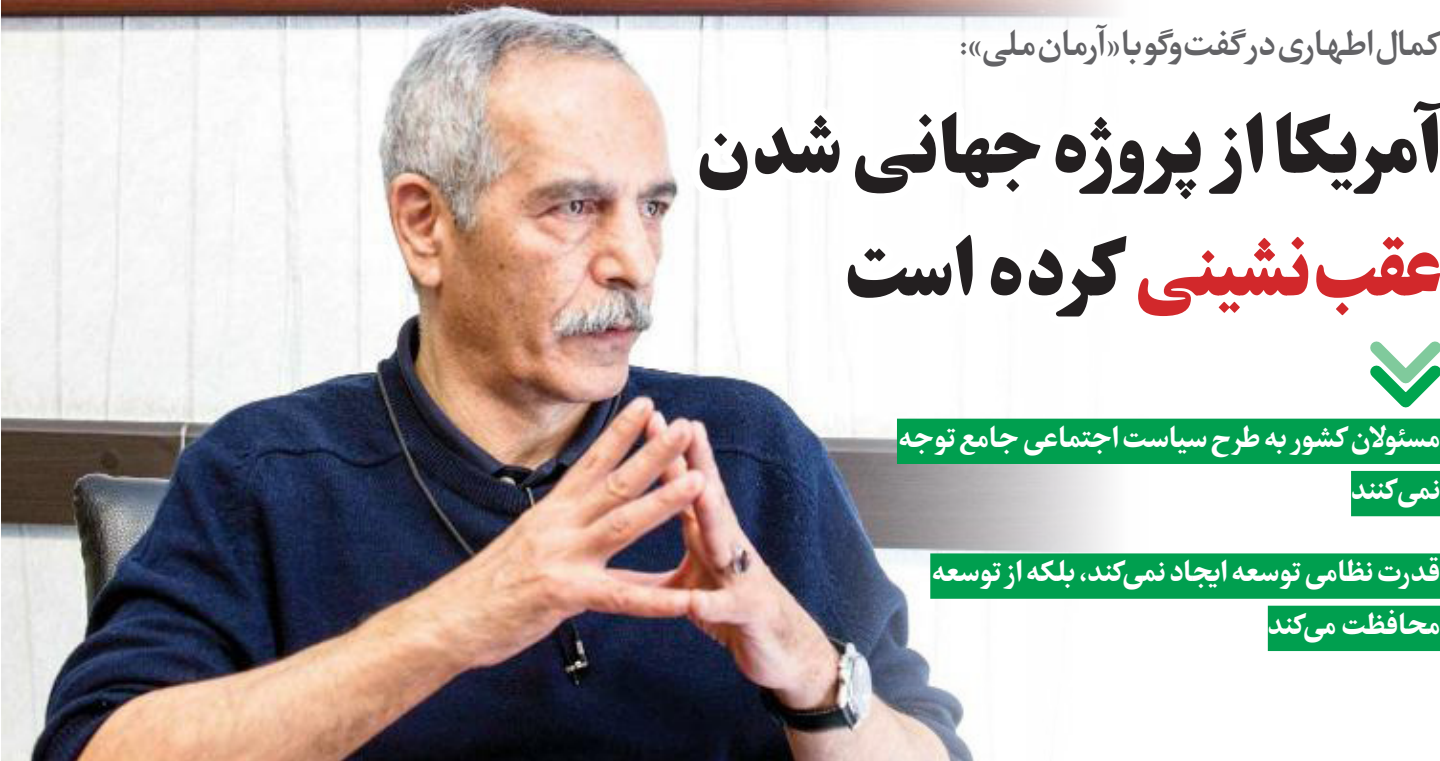
هاشمی یکی از متفاوت‌ترین انقلابی‌های عصر معاصر بود. متفاوت از این منظر که به عنوان یک مبارز انقلابی، همواره نگران وقوع انقلاب زدگی در مردم بود هاشمی یک معیار اصلی هم در این زمینه بیشتر نداشت. معیاری به نام جلب نظر اکثریت مردم و عمل به آن. برای هاشمی همین معیار به ظاهر ساده تبدیل شد به یک اصل بنیادین. اصلی به نام تشخیص مصلحت نظام که همان مصلحت مردم بود. مصلحتی که هاشمی باور داشت اگر رعایت نشود، تلخ‌ترین حاصل آن، انقلاب زدگی روزافزون در میان اکثریت مردمی خواهد شد که خودشان بانی اصلی پیروزی همان انقلاب بوده‌اند. راهکار هاشمی برای مقابله با انقلاب زدگی، تمرکز بر مصلحتی به نام انقلاب اقتصادی با راهکاری به نام سازندگی بود. سازندگی برای هاشمی دو هدف اصلی داشت که اولی ناظر بر حفظ وفاق ملی با تمرکز بر کارآمدی اقتصادی کشور بود و دومی پرهیز حداکثری از جنگ و مجادلات منطقه‌ای و بین‌المللی برای حفظ نظام. مروری کلی بر عملکرد هاشمی در جایگاه‌های مهمی نظیر ریاست مجلس شورای اسلامی، جانشینی فرمانده کل قوا، ریاست جمهوری، ریاست مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، به خوبی نشان می‌دهد که در تمام فراز و نشیب‌های سیاسی جمهوری اسلامی، هاشمی هرگز از هدف اصلی خود برای مقابله با انقلاب زدگی مردم، عدول نکرد. البته هاشمی علاوه بر جایگاه‌های سیاسی به عنوان امام جمعه تهران نیز هرگز اجازه نداد تا این پایگاه قدرتمند سیاسی- اجتماعی نظام از مصلحت بزرگی به نام پشتوانه حضور حداکثری مردم محروم گردد. هاشمی یک مصلحت‌شناس عملیاتی بود که هر زمان به «موقعیت مصلحت» و تصمیم‌گیری‌های سخت می‌رسید، مصلحت را به صراحت می‌گفت و خودش هم سیر انجامش می‌شد! هاشمی در تمام عمرش اینگونه عمل کرد و هزینه‌های آن را هم به تمام و کمال پرداخت. نگاهی به کارنامه کم نظیر او به خوبی مبین این ادعاست. کارنامه‌ای پربار با نقش آفرینی‌های منحصربفرد در موقعیت‌های نظیر پذیرش قطعنامه ۵۹۸، مخالفت با برپایی اداگاه‌های نظامی علیه فرماندهان وقت سپاه، سفر مک فارلین آمریکایی به تهران و انجام اولین سفر به مسکو، برقراری رابطه با عربستان بعد از فاجعه سال ۶۶ د مکه، جذب کشورهای آسیای مرکزی بعد از فروپاشی شوروی، تقویت اسلامگرایان در ترکیه، تشکیل پیمان‌های اقتصادی اکو و دی ۸ در منطقه، جذب عراق بعد از صدام و ایجاد رابطه صمیمانه با کردها، اهل سنت و گروه‌های شیعه، توجه به علاقه‌مندی اروپا و آمریکا برای حضور در एसویه و مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز، شکستن تابوی رقابت ورزشکاران ایران و آمریکا، تاکید بر ضرورت ایجاد شورای فقهی، تلاش برای مهار تندروها در «دولت و مجلس»، اصلاحات، مقابله بی‌امان با جریان انحرافی از سال ۸۴، اقامه دشواری‌ترین نمازجمعه در سال ۸۸ و پایین آمدن از صندلی ریاست مجلس خبرگان رهبری در سال ۸۹ و نهایتاً تغییر ریل انتخابات‌های ۹۲ و ۹۴ که نفع خواست مردم، از جمله اقدامات هاشمی برای مقابله با انقلاب زدگی در اکثریت مردم بود که تا آخرین نفس هم ادامه یافت. هاشمی با آگاهی کامل پا به میدان این مصلحت‌گذاشته بود، چون عاقبت انقلاب‌هایی نظیر چین، شوروی، کوبا، نیکاراگوئه، مصر، تونس، لیبی و… را در سده اخیر را با دقت خوانده با دیده بود و با عبرت‌گیری از حوادث داخلی کشور نظیر مشروطه و قیام مصدق، به فهم عمیق این مصلحت‌تاریخی رسیده بود که میزان انقلاب‌زدگی مردم مهم‌ترین شاخص در افول انقلاب‌هاست و فقط سازندگی و توسعه ملموس کشور است که می‌تواند تا نامین مصلحت مردم سپری برای صیانت از مصلحت نظام ایجاد کند. امروز دوباره جمهوری اسلامی به موقعیت مصلحت‌رسیده و آنچه بیش از طرح مصادیقی نظیر تصویب FATF یا مذاکره با آمریکا اهمیت دارد، تلاش همه‌جانبه‌ای تریبون‌های رسمی کشور برای تحکیم وفاق ملی در موقعیت مصلحت است. اگر جمهوری اسلامی ایران موفق شد از موقعیت مصلحت در سال ۶۷ به‌یاد بیاورد و هم صدام را در مسیر صلح جهانی و هم جلوی روند افزایش انقلاب زدگی را در مردم به خاطر طولانی شدن جنگ گرفت، به خاطر وفاق ملی در دولت مستقر و تریبون‌های رسمی کشور بود که هوشمندانه در دام دوطبقی ذلت- عزت نیفتادند و «یدواحد» شدند تا جمهوری اسلامی با عبور از غمگینانه‌ای از ذاق مقدس، وارد دوران سازندگی شود. وگرنه اگر شرایط امروز رسانه ملی و سایر تریبون‌های رسمی کشور در آن زمان حاکم بود، هم قطعه‌نامه ۵۹۸ در مجلس آن‌زه نمی‌شد و هم حکم اعدام ولایتی در مقابل ساختمان ریاست جمهوری به عنوان وزیر امور خارجه وقت، صادر و ابلاغ می‌شد! البته حضور هاشمی، جمهوری اسلامی را عادت داده بود که او همیشه هست تا در موقعیت‌های مصلحت، نقش اصلی را به عهده گرفته و به عنوان سپر نظام، هزینه‌ها را به سمت خود هدایت کند ولی امروز دیگر هاشمی نیست و مجمع تشخیص مصلحت نظام هم نشانی از زمان ریاست او را ندارد. البته روسای قوا با درک درستی از موقعیت مصلحت مشغول فعالیتند ولی وفاق و جلب همراهی اکثریت مردم برای عمل به مصلحت، یک اقدام ملی می‌طلبد که باید در فضای رسانه‌های ملی، نماز جمعه و سایر تریبون داران با جدیت دنبال شود. متأسفانه سالیان مدیدی است که زبان غالب در صداوسیما، امام جمعه‌ها و تریبون داران رسمی کشور به گفتن از مصلحت نمی‌چرخد و مشخص نیست از بغض هاشمی به این ورطه افتاده‌اند یا عمد جریانی در پشت انی، برده و جود دارد، ولی اگر در فضای دو قطبی‌سازی علیه دولت چهاردهم، فرصت فراغتی پیدا شد، خوب است نامه امام(ره) را به مسئولین نظام در مورد تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام رابخوانند تا معنای یک عمر تلاش هاشمی را برای جلوگیری از انقلاب زدگی مردم و هموار کردن مسیر مصلحت، بهتر درک کرده و بیش از این در مقابل مصلحت، مقاومت نکنند.

کمال اطهری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

آمریکا از پروژه جهانی شدن عقب‌نشینی کرده است


مسئولان کشور به طرح سیاست اجتماعی جامع توجه
نمی‌کنند
قدرت نظامی توسعه ایجاد نمی‌کند، بلکه از توسعه
محافظت می‌کند

<div><div> </div>یکشنبه ۱۱۴۰۱۱۰۳</div>	سال هشتم	ارمان ملی	شماره ۲۳۶
۳۱ شهریاب ۱۳۹۴ / ۲ فوریه ۲۰۲۵			



آرمان ملی – احسان انصاری: «هنوز برخی از مدیران جامعه متوجه نشده‌اند که بدون طرح سیاست اجتماعی جامع که تصویب شده نمی‌توان کشور را مدیریت کرد و مشکلات را حل کرد. از سوی دیگر مدیران کشور را وارد اقتصاد دانش نکرده‌اند و به همین دلیل مازاد اقتصادی ندارند. از سوی دیگر به دلیل اینکه در زنجیره اقتصاد جهانی تنها با نفت حضور داشته‌ایم به دلیل تحریم‌ها این ظرفیت را نیز از دست داده‌ایم. در چنین شرایطی FATF را نیز نپذیرفته‌ایم. الگوی ما نیز در این زمینه امارات متحده عربی به عنوان یک شیخ‌نشین با جمعیت پایین بوده است. کشوری که به صورت کامل به سرمایه‌داری جهانی وابسته است و پول نفتش را می‌گیرند و برایشان برج

◀ **دولت پزشکیان دنبال تعامل با جهان و بهبود کیفیت زندگی مردم است. به نظر شما با توجه به شرایط موجود جامعه به چه میزان می‌توان به موفقیت دولت امیدوار بود؟**

آنچه امروز در جامعه ما مشهود است این است که تصمیم‌گیران جامعه نه در زمینه داخلی و نه در زمینه خارجی عقلانیت لازم را به خرج نده‌اند. هشدارهای زیادی نیز در این زمینه داده شد. کار حتی به جایی رسیده بود که اصلاح‌طلبان ماجرا را شوخی گرفته بودند. این در حالی بود که هیچ‌کدام از جریان‌های فکری خود را برای توسعه آماده نکرده‌اند. آقای پزشکیان قبل از اینکه رئیس‌جمهور شود دارای سابقه اجرایی بوده است. با این وجود آنچه مشهود است این است که کشور فاقد الگوی توسعه است. قرار بود در ایران سیاست اجتماعی جامع تدوین شود. با این وجود وقتی فردی با نگاه پوپولیستی بر سر کار آمد، این قانون را کتان گذاشت و به جای آن به سوی یارانه نقدی کشیده شد. همین فرد به جای اینکه طرح جامعه مسکن را در که در سال ۱۳۸۴ تصویب شده بود، اجرا کند طرح مسکن مهر را اجرا کرد. نکته دیگر اینکه آقای پزشکیان هنوز برنامه‌ای برای مدیریت کشور ارائه نکرده و خودش هم مدعی داشتن برنامه نیست. سوال مهم این است که چگونه ممکن است فردی که در حدود ۲۰ سال در جایگاه‌های حاکمیتی قرار داشته و امروز رئیس‌جمهور کشور است برنامه نداشته باشد؟ در چنین شرایطی ایشان از طرح انتقال پایتخت صحبت می‌کند.

◀ **چرا دولت چهاردهم در ابتدای کار خود به دنبال انتقال پایتخت است و آیا این طرح قابلیت اجرایی دارد؟**

انتقال پایتخت نیازمند طرح آمایش و برنامه است. طرح انتقال پایتخت بنایی نیست که بتوان آن را به راحتی انجام داد. چنین طرح‌هایی نیز مانند طرح پرداخت یارانه توسط دولت احمدی نژاد است. هنوز برخی از مدیران جامعه متوجه نشده‌اند که بدون طرح سیاست اجتماعی جامع که تصویب شده نمی‌توان کشور را مدیریت کرد و مشکلات را حل کرد. از سوی دیگر مدیران کشور را وارد اقتصاد دانش نکرده‌اند و به همین دلیل میزان مازاد اقتصادی ندارند. از سوی دیگر به دلیل اینکه در زنجیره اقتصاد جهانی تنها با نفت حضور داشته‌ایم به دلیل تحریم‌ها این ظرفیت را از دست داده‌ایم. در چنین شرایطی FATF را نیز نپذیرفته‌ایم. الگوی ما نیز در این زمینه امارات متحده عربی به عنوان یک شیخ‌نشین با جمعیت پایین بوده است. کشوری که به صورت کامل به سرمایه‌داری جهانی وابسته است و پول نفتش را می‌گیرند و برایشان برج می‌سازند که بیشترشان خالی است. برخی کشورى مانند امارات را به عنوان الگوی توسعه برای خود انتخاب کرده‌اند و در عین مواجهه‌ای که با امپریالیسم دارند به محض اینکه به دستاوردی می‌رسند

ادامه‌از صفحه اول

هوش مصنوعی نه تنها روش‌های تدریس و یادگیری را تغییر خواهد داد، بلکه سیاست‌های آموزشی و ساختارهای سازمانی نیز به‌طور اساسی تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. برای مثال، به‌کارگیری فناوری‌های هوش مصنوعی در مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند به تغییرات در نحوه ارزیابی دانش‌آموزان و تعیین استانداردهای آموزشی منجر شود. سیستم‌های AI می‌توانند به‌طور دقیق‌تر و به‌صورت انی، پیشرفت دانش‌آموزان را ارزیابی کنند و به این ترتیب، به معلمان این امکان را بدهند که به‌صورت فردی و سریع‌تر به مشکلات پاسخ دهند. به‌علاوه، استفاده از هوش مصنوعی در سیستم‌های آموزشی می‌تواند به مدیریت بهتر منابع کمک کند. به‌عنوان مثال، هوش مصنوعی می‌تواند پیش‌بینی‌هایی دقیق در

عنوان می‌کنند که آمریکا جرأت نمی‌کند به ما حمله کند. در پاسخ به این افراد باید عنوان کرد آمریکا مدت‌هاست که دیگر به کشورها حمله نمی‌کند و به این حرف‌ها بی‌توجه است. کسی هم نمی‌تواند برای کشور دیگری توسعه به ارمان‌گشایود و یا به جای کشور دیگری بجنگد. نکته دیگر اینکه در شرایطی که الگوی توسعه در کشور وجود ندارد، چگونه می‌توان صلح و توسعه برای کشور به ارمان‌آورد؟

◀ **چرا دولت پزشکیان به دنبال طرحی برای توسعه نیست؟ تصمیم‌گیران جامعه چگونه بدون الگوی توسعه دنبال تأثیرگذاری بر مناسبات داخلی و منطقه هستند؟**

باید برای توسعه الگو ایجاد کرد و نه اینکه با قدرت نظامی به دنبال توسعه بود. در واقع قدرت نظامی باید از توسعه‌ای که به وجود آمده محافظت کند. توسعه حاکمیت نیز در توسعه پایدار است. برای تدوین و ارائه مدل و برنامه توسعه باید غفلت‌های گذشته را جبران کرده و گفتمان توسعه را در چارچوب نظام مند یک برنامه پژوهشی در دستور کار قرار دهند. گفتمان توسعه به معنای پژوهش علمی برای دستیابی به مدل و برنامه توسعه جایگزین برپمنای پیشینه‌ای آن است. که برای آن باید گروه‌های کارشناسی زنده بدون درنظر گرفتن تعلق به جریان سیاسی توسعه را در چارچوب نظام مند یک برنامه پژوهشی در دستور کار قرار دهند. گفتمان توسعه به معنای پژوهش علمی برای دستیابی به مدل و برنامه توسعه جایگزین برپمنای پیشینه‌ای آن است. که برای آن باید گروه‌های کارشناسی زنده بدون درنظر گرفتن تعلق به جریان سیاسی و فکری تشکیل شود. واقعیت این است که بضاعت هیچ یک از این جریان‌ها اجازه اندیشه درباره تمام اجزای یک مدل توسعه را به آنها نمی‌دهد. حاصل این گفت‌وآم‌ها نه رسیدن تمام جریان‌ها به یک مدل و برنامه‌ای واحد بلکه توافق اصولی درباره ساختار مدل و برنامه‌ای مرکب با یک پارچه به مثابه برنامه حداقل و جهت‌گیری راهبردی برای عمل اجتماعی براساس آن است. عملی اجتماعی که در طول زمان مدل و برنامه را ردیق و تصحیح می‌کند. نمونه دیگر اینکه به دلیل تغییرات سریع فناوری تولید، آینده اقتصادی جهان بسیار پرجالش خواهد بود و به خصوص برای نیروی کار در بخش‌های تولید کارخانه‌ای باید انتظار بیکاری فزاینده داشت. به همین دلیل چالش‌های بیرونی و درونی، دولت‌های ملی را با شرایطی حتی بسیار سخت‌تر از گذشته روبه‌رو خواهد ساخت. در کشورهای پیرامونی چون ایران، دولت‌ها باید پیروصلح مدنی، با اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی، انجمن‌های مدنی و تخصصی و جماعات محلی و… برای هموارسازی توسعه اقتصاد و جامعه دانش در چارچوب مدل دولت‌ر‌فاه توسعه بخش مشارکت کنند. تا دچار بحران، بی‌ثباتی سیاسی و درنهایت فروپاشی نشوند و بتوانند ضمن گریختن از تله توسعه، از بیکاری و فقر، و تخریب محیط زیست جلوگیری کنند. از سوی دیگر باید تعامل مثبت با کالاها و خدمات جهانی شده را با حضور در زنجیره جهانی ارزش با کالاها و خدمات دانش بر برقرار کنند و نه صرفاً با آزادی قیمت‌ها و گوشودن دروازه‌ها. این مسائل ممکن نیست مگر دولت‌ها الگو، برنامه و نهادسازی

آموزش و هوش مصنوعی

مورد نیازهای آینده دانش‌آموزان و تخصیص منابع آموزشی به‌طور بهینه انجام دهد.

◀ **ملاحظات اخلاقی**

با وجود تمامی مزایای ممکن، استفاده از هوش مصنوعی در آموزش با چالش‌ها و ملاحظات اخلاقی نیز همراه است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، مسأله حریم خصوصی و حفاظت از داده‌های شخصی است.

سیستم‌های هوش مصنوعی به جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل مقادیر زیادی از داده‌های شخصی و عملکردی نیاز دارند که این امر می‌تواند نگرانی‌هایی در زمینه امنیت و

شایسته برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جهت ورود به اقتصاد و جامعه دانش داشته باشند. در موقعیت کنونی ایران هم این مهم میسر نمی‌شود مگر روشنفکران و فعالان مدنی و سیاسی وظیفه مقدم خود را برای تدوین چنین الگویی به انجام برسانند.

◀ **چرا ایران توانسته وارد اقتصاد دانش شود؟**

ورود به اقتصاد دانش برای تمام کشورهای پیرامونی یا توسعه‌یابنده چون ایران ناگزیر است، همان‌طور که پیشتر صنعتی شدن ناگزیر بود. در اقتصاد دانش دانش آموخته، آفریده، فراگیر شده و به کار می‌آید تا توسعه اقتصادی و اجتماعی به بار آورد. به عبارت دیگر دانش و نوآوری در توسعه نقشی فراتر از منابع طبیعی، کار مستقیم، و سرمایه یافته، با توسعه در اساس دانش بر شده است. بخش‌های اصلی اقتصاد دانش، صنایع دارای فناوری متوسط به بالا و خدمات مولد هستند. عدم تسلط و توجه حاکمیت و روشنفکران جامعه مدنی به همین تعاریف به نظر ساده باعث استفاده نادرست از واژگانی مانند شرکت‌های دانش‌بنیان شده است. این شرکت‌ها که در واقع شرکت‌های دانشگاهی‌اند، از ۱۰۰ نوع یارانه و بخشایش مالیاتی و غیره بهره‌مندند و به جای آن شرکت‌های دانش‌بر در بخش واقعی اقتصاد مانند کارخانه ارج در بخش صنعت، و شرکت‌های مشاور در بخش خدمات به حال خود رها شده‌اند تا ورشکسته شوند. به کار بردن واژگان «بوم سامانه نوآوری» جعل دیگری در همین زمینه است که برای ایجاد آن نه نرم‌افزارهای لازم مانند قوانین مالکیت فکری، و نهادهای انگیزشی تحقیق و توسعه و نه سخت‌افزارهای لازم مانند آماده‌سازی مناطق توانست جایگزین شیوه انتظام دولت رفاه گردد و موجب ورود جوامع مرکزی سرمایه‌داری به اقتصاد پسا‌صنعتی با دانش شود، اما در ایران برنامه چهارم توسعه، سند چشم‌انداز و سند اقتصاد مقاومتی، که بر توسعه اقتصاد دانش یا دانش‌بنیان تأکید داشتند، اجرا نشدند، تا در پس‌پهاوری مبارزه با نو لیبرالیسم، شکل بندی نوفوقدالیسم برپا شود. سیاست اجتماعی برای شکل‌گیری جامعه دانش، سرمایه‌گذاری اجتماعی است که به سیاست اجتماعی غالب در تمام کشورهای پیشرو در اقتصاد دانش، به جز ایالات متحده تبدیل گشته است. به همین دلیل نیز آمریکا به تدریج جایگاه برتر خود را در اقتصاد جهانی از دست داده، دچار بحران اجتماعی و سیاسی گشته و مجبور به عقب‌نشینی از جهانی شدن شده است. در ادامه

و چالش‌ها است. در آینده، سیستم‌های هوش مصنوعی می‌توانند به صورت مؤثری به افزایش کیفیت آموزش، تسهیل یادگیری شخصی شده، و بهبود دسترسی به منابع آموزشی کمک کنند. اما برای اینکه این تحولات به بهترین شکل انجام شوند، نیاز به سیاست‌گذاری‌های مناسب، آموزش معلمان، و همچنین اطمینان از حفظ عدالت و اخلاق در استفاده از این فناوری‌ها داریم. هوش مصنوعی توانایی تحول سیستم‌های آموزشی را دارد و می‌تواند نقشی اساسی در بهبود تجربه‌های یادگیری ایفا کند. در عین حال، باید با دقت و هوشیاری نسبت به چالش‌ها و ملاحظات اخلاقی آن واکنش نشان داد. در نهایت، ترکیب هوش مصنوعی با تلاش‌های انسانی می‌تواند به یک آینده آموزشی به مراتب هوشمندتر، شخصی‌تر و دسترس‌پذیرتر منجر شود.

تلنگر

«آرمان ملی» از تلاش تندروها گزاش می‌دهد

پوست خربزه زیر پای ترامپ

آرمان ملی – احسان اسقایی: برخی واقعیت‌ها را باید در جهان سیاست پذیرفت، از جمله اینکه پرونده ایران در آمریکا به مسئله‌ای رقابتی بین دموکرات‌ها و جمهوری خواهان تبدیل شده است. هر حزبی که به‌تازگی در آمریکا به قدرت می‌رسد، می‌کوشد در پرونده ایران به دستاوردهایی برسد، اما تلاش همین حزب از سوی حزب مخالف به حاشیه کشیده می‌شود. ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری خود با خروج از برجام کوشید دستاورد او‌با‌ما در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران را نابود کند که با خروج از برجام در این مسیر حرکت کرد. دموکرات‌هانیز در ابتدای دوره خود بعد از ترامپ و در دوره بایدن کوشیدند به برجام بازگردند، اما سختگیری جمهوری خواهان و رشد‌درگیری‌ها و تنش در منطقه بالکان و آسیای غربی باعث شد حل‌وفصل پرونده هسته‌ای ایران از دستور کار بایدن خارج شود. اکنون نیز به نظر می‌رسد که دونالد ترامپ می‌کوشد با عدم موضع‌گیری صریح در ارتباط با ایران، عمل‌آ‌ن‌و‌پ را در زمین ایران بیندازد تا شاید تهران را به مذاکره ترغیب کند. این بار دموکرات‌ها هستند که قصد دارند با فشارسازی رسانه‌ای در برابر ترامپ بایستند تا او از پرونده هسته‌ای ایران برای خود دستاورد نسازد.

بعد از اینکه جو بایدن در انتخابات از دونالد ترامپ شکست خورد، در اولین جلسه‌ای که برای تیریک نزد رئیس‌جمهور منتخب آمریکا رفت، در ارتباط با ایران هشدارهای جدی به دونالد ترامپ داد و به او گفت که باید به شدت توجه‌ش را به ایران جلب کند. آقای‌ خ‌ط‌ر ایران برای آمریکا‌ا‌س‌و‌ی بایدن به‌ترامپ می‌توانست بیش‌زمینه‌هایی را برای برخورد کلامی ترامپ با ایران فراهم کند. با این وجود، ترامپ فقط در یک مورد در ارتباط با ایران هشدار داد. او گفت اگر او به جای بایدن رئیس‌جمهور آمریکا بود، ایران آن قدر پ‌و‌ل نداشت‌که در منطقه اقدام به قدرت‌نمایی کند. رسانه‌ها در این ارتباط قول سالیوان نوشتند: «بایدن در گفت‌وگو با ترامپ تأکید کرد: فوری‌ترین مسئله این است که ایران گروه‌های نیابتی آن همچنان اقداماتی انجام می‌دهند که مستقیماً آمریکایی‌ها و منافع ایالات متحده در خاورمیانه را تهدید می‌کند و باید به‌صورت فوری با آن برخورد شود.»

اکنون نیز جیک سالیوان، که مشاور امنیت ملی بایدن بوده، درصدد است با اظهار نظر در ارتباط با نوع برخورد ترامپ با ایران، اقدام به زمینه‌سازی رسانه‌ای کند تا بتواند فضای منفی را بین ایران و آمریکا ایجاد کند. چراکه ظاهرادموکرات‌ها در متعجب هستند که چرا دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، تاکنون فرمانی اجرایی علیه ایران صادر نکرده یا اینکه اقدام به تهدید علنی چین در ارتباط با زوم عدم خرید نفت از ایران نکرده است. سالیوان اخیراً در ارتباط با موضع ترامپ در مورد ایران اعلام کرده که «معتقد است تهران اکنون ضعیف‌تر از هر زمان دیگری بعد از زمان جنگ ایران و عراق است، جنگی که در سال ۱۹۸۸ پایان یافت». به گزارش «انتخاب»، وقتی‌ا‌ز‌ا‌و سوال می‌شود که انتظار دارد ترامپ چگونه با این مسئله برخورد کند، پاسخ می‌دهد: «پیش‌بینی می‌کنم که در این دولت یک بحث جدی بین یک اقدام دیپلماتیک جسورانه با یک اقدام نظامی جسورانه درگیرد.» او در پاسخ وزیر اسراییل، و سوسه خواهد شد که نخست‌وزیر اسراییل، و سوسه خواهد شد که یک حمله نظامی انجام دهد؟ پاسخ می‌دهد: «بدون اینکه شخصاً آن را به نتایج‌هو نسبت دهم، می‌توانم بگویم که رهبری ارشد اسراییل، چه در سطح نظامی و چه در سطح سیاسی، چه در سطح نظامی و اطلاعاتی، به شدت و سوسه خواهند شد که از این لحظه استفاده کنند.»

به نظر می‌رسد سکوت ترامپ در ارتباط با مواضع او در مورد ایران آن قدر طولانی شده که حتی رسانه‌های مختلف اقدام به انتشار تحلیل‌هایی در این ارتباط کرده‌اند. چارلی گمل، تاریخ‌دان و دیپلمات سابق انگلیسی که در میز ایران در وزارت خارجه بریتانیا فعالیت داشته، در نشریه بریتانیایی اسپکتیور نوشت: «صحت‌کنیم یا نکنیم؟ این پرسش، این روزها میان سیاستمداران جمهوری اسلامی ایران، از تندرو تا اصلاح‌طلب، مطرح است. دونالد ترامپ به‌وضوح اعلام کرده که امیدوار است ایران از برنامه هسته‌ای خود را در ادامه توافق با واشنگتن دست بکشد.» در ادامه این مطلب آمده است: «با وجود تمام توجهی که به انتصاب‌های ترامپ در وزارت دفاع، وزارت خارجه و کاخ سفید شده است، شاید در مورد ایران بیشتر بتوان از کسانی که کنار گذاشته شده‌اند نتیجه گرفت: مایک پمپئو، جان بولتون و بریان هوک، نماینده پیشین ترامپ در امور ایران، که همگی به‌شدت ضد ایران بودند و تلاش داشتند ترامپ را به اتخاذ سیاست خاصی در قبال تهران وادار کنند. آن‌ها تاوان سختی خود را داده‌اند.» ترکیب کنونی مشاوران ترامپ در خاورمیانه، از ینتاگون تا کاخ سفید و وزارت خارجه، طیفی از صلح‌طلب تا جنگ‌طلب را در بر می‌گیرد که نشان می‌دهد ترامپ، پیش از هر چیز، می‌خواهد گزینه‌های خود را باز نگه‌دارد و به مذاکره تمایل اولیه دارد. پس، صحبت کنیم یا نکنیم؟ تهران با انتخاب‌های دشواری روبه‌روست. هر تصمیمی که بگیرد، سال ۲۰۲۵ سالی سرنوشت‌ساز برای ایران و همچنین متحدانش خواهد بود.